

صاحبان خودخوانده کردستان!

حزب دموکرات کردستان و جنگ تحمیلی

رضا بسطامی

«وجود اختلافات قومی و مرزی برای هر دشمنی غنیمت است. دشمنان همیشه سعی می‌کنند چنین اختلافاتی را به عنوان یک اهرم فشار در آستین روابط خارجی خود نگاه دارند. در جریان جنگ ایران و عراق شاهد بهره‌برداری غرب از احزاب و تشکلهای کرد علیه جمهوری اسلامی هستیم. مهمترین این موارد، تحریک حزب دموکرات کردستان به رهبری عبدالرحمان قاسملو می‌باشد که در آبان سال ۱۳۵۷ و به تبع برهم خوردن ثبات سیاسی ایران، به عنوان دبیرکل حزب به تجدید سازمان و تقویت آن پرداخت. البته حزب دموکرات کردستان از حزبهای با سابقه ایران است که در فضای سیاسی دهه ۱۳۳۰ به وجود آمد و با فراز و فرودهایی تداوم پیدا کرد. اما تقویت و تاثیر سیاسی مهم آن بیشتر به دوران پس از پیروزی انقلاب و نقش آنها در حرکت‌های جدایی طلبانه و همکاری با رژیم صدام در جنگ علیه ایران مربوط می‌شود. پیوستن این حزب به شورای مقاومت ملی (مخالفان فراری جمهوری اسلامی در خارج از کشور) نیز یکی از نکته‌های مهم درباره آن است. مقاله حاضر پیشینه، تحولات و همکاری حزب دموکرات کردستان با ارتش بعثی عراق را مورد دقت و پژوهش قرار داده است.

■ ■ ■

از آغاز قرن بیستم، مساله کردها همواره یکی از پرتنش ترین مسائل کشورهای خاورمیانه بوده است. در این منطقه، چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه به دلیل داشتن جمعیت درخور توجهی از کردها، مهمترین مناطق پراکندگی این گروه جمعیتی به شمار می‌روند. طی سالهای گذشته، برخوردهای بسیاری میان کردها و حکومت‌های مرکزی کشورهای مذکور روی داده است. همچنین، احزاب و تشکلهایی در مناطق کردنشین این کشورها شکل گرفته‌اند و فعالیت می‌کنند که بیشتر تحت تاثیر عوامل داخلی و شرایط بین‌المللی، با طرح دیدگاه‌های استقلال طلبانه، به

مبارزه مسلحانه متوسل شده‌اند: مبارزات مسلحانه حزب کارگران کرد ترکیه (PKK)، حزب دموکرات کردستان عراق، حزب میهنی کردستان عراق، حزب دموکرات کردستان ایران و حزب کومله، حزب دموکرات کردستان ایران با توجه به فعالیت گسترده حزبی، یکی از مهمترین جریان‌های حزبی منطقه کردستان در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود. در نتیجه اقدامات این حزب در کردستان مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی و نیز در جریان تجاوز نظامی رژیم عراق به خاک کشورمان، بحران گسترده‌ای در منطقه کردستان ایجاد شد که آسیبهای زیادی به کشور وارد کرد و امنیت ملی کشور را در معرض خطر قرار داد. در واقع، در شرایطی که ارتش عراق تا دروازه‌های اهواز پیشروی کرده بود، جریانهای ضدانقلاب در کردستان، شهرهای چند استان شمال غربی کشور را ناامن کرده بودند و با انجام اقدامات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران، بخش زیادی از توان نیروهای نظامی را به جای دشمن خارجی، متوجه خود ساخته بودند.

اوضاع سیاسی کردستان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

حرکت‌های تجزیه طلبانه در استان کردستان ایران، مدت‌ها پس از آغاز این گونه حرکت کردها در دو کشور ترکیه و عراق آغاز شد. استقلال خواهی کردها در ترکیه و عراق میراث شکست امپراتوری عثمانی، فروپاشی آن و تعهدی بود که کشورهای پیروز جنگ جهانی اول، در معاهده لوزان در مورد تشکیل کشور مستقلی برای کردها داده بودند. آغاز حرکت‌های استقلال طلبانه در کردستان ایران در واقع به جنگ جهانی دوم و تسلط نیروهای شوروی بر استانهای آذربایجان و کردستان برمی‌گردد. یکی از مهمترین دلایل تاخیر این گونه حرکتها در کردستان ایران، آن بود که برخلاف کردهای ترکیه و عراق که خود را از ریشه، نژاد و فرهنگ ترک و عرب نمی‌دانند، کردهای

ساکن ایران خود را ایرانی می‌دانند. نخستین تشکیلات سیاسی کردی، در سال ۱۳۱۹ و به نام جمعیت رستاخیز کرد (کومله ژکاف) به طور مخفیانه در شهر مهلباد شکل گرفت که با اشغال کردستان به دست نیروهای روس، فعالیت آن تا اندازه زیادی مختل شد.^۱ طی دوره تسلط نیروهای شوروی بر کردستان و آذربایجان، این کشور کوشید زمینه‌های لازم را برای الحاق این مناطق به آذربایجان شوروی فراهم کند. در این باره مقامات شوروی با حمایت از قاضی محمد - که وجهه مردمی در مهلباد داشت - به ایجاد تشکلهای همسو با منافعشان اقدام کردند.^۲

تشکیل حزب دموکرات کردستان

در سال ۱۳۲۴، حزب دموکرات کردستان، به رهبری قاضی محمد موجودیت خود را در شهر مهلباد اعلام کرد. وی پس از مسافرت‌هایی که به شوروی داشت، با مجاب کردن رهبران جمعیت رستاخیز کرد (کومله ژکاف) توانست زمینه تاسیس حزب دموکرات کردستان را فراهم کند. اساسنامه این حزب به شرح زیر اعلام شد:

- ۱- ملت کرد در داخل ایران در اداره امور ملی خود آزاد و مختار باشد و در حدود دولت ایران، منطقه کردستان را اداره کند.
- ۲- با زبان کردی خود بتواند تحصیل کند و این زبان به رسمیت شناخته شود.
- ۳- انجمن ولایتی کردستان طبق قانون اساسی، به فوریت انتخاب و در تمام کارهای اجتماعی و دولتی نظارت و سرکشی کند.
- ۴- ماموران دولت در منطقه، باید از اهل محل باشند.
- ۵- تمام درآمد منطقه باید در خود منطقه صرف شود.
- ۶- حزب دموکرات کردستان خواهد کوشید بین ملت آذربایجان و اقوامی که در آنجا زندگی می‌کنند، وحدت و برادری کامل برقرار کند.
- ۷- حزب دموکرات کردستان با استفاده از منابع طبیعی سرشار کردستان و پیشرفت امور کشاورزی،

بازرگانی، فرهنگی و بهداشتی برای رفاه اقتصادی و معنوی ملت کرد مبارزه خواهد کرد.^۲

چهار ماه پس از تشکیل حزب؛ در بیست و پنجم آذر سال ۱۳۲۴، قاضی محمد در میدان چهار چراغ مهیاد ناسیس جمهوری خودمختار مهیاد را اعلام کرد. در این روز، وی خطاب به هوادارانش گفت: «مردم کرد مردمی تنها هستند، سرزمینشان غصب و تقسیم شده است و از ابتدایی ترین حقوق، یعنی حق تعیین سرنوشت، بی بهره اند...»^۳

وی سپس، با لباس افسران روسی و درجه ژنالی، به عنوان فرمانده کل قوای کردستان از نیروهای خود سان دید. این جمهوری را از نظر نیروی نظامی، حزب دموکرات کردستان عراق (بارزانیها) و از نظر امکانات مالی و تجهیزات نظامی، شوروی تامین می کرد.^۴ هنوز یک سال از عمر حزب دموکرات و تاسیس جمهوری مهیاد نگذشته بود که قوام السلطنه با دولت شوروی درباره چگونگی ترک نیروهای روس از ایران به توافق رسید.^۵

با خروج نیروهای شوروی از خاک ایران، نیروهای ارتش در زمستان سال ۱۳۲۴ بدون درگیری به مهیاد وارد شدند و پس از سه روز، قاضی محمد و سران حزب دموکرات را دستگیر کردند. صد روز بعد، زمانی که ارتش به طور کامل در شمال کردستان ایران مستقر شده بود، قاضی محمد، صدر قاضی و محمدحسین سیف قاضی در همان میدان چهار چراغ مهیاد به دار آویخته شدند.^۶ پس از سقوط جمهوری مهیاد، اعدام قاضیها، دستگیری تعدادی از اعضای کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان و فرار دیگر اعضای حزب به عراق، جنبش کرد در ایران عملاً فروپاشید.^۷

از سال ۱۳۲۸ تا پایان دوره نخست وزیری دکتر مصدق، حزب دموکرات کردستان، در همکاری با حزب نوده، دوباره احیا شد، اما پس از کودتای بیست و هشتم مرداد، بار دیگر فعالان حزب دموکرات در کردستان سرکوب شدند. نکته در خور توجه آنکه در این دوره، روابط خوبی بین دو حزب دموکرات کردستان ایران و حزب دموکرات کردستان عراق وجود داشت.^۸

در سال ۱۳۳۶، اعضای شورای حزب دموکرات کردستان بار دیگر فعالیت های خود را با کمک حزب توده آغاز کردند و عبدالله اسحاقی (احمد توفیق)^۹ کوشید تا در خارج از کشور به تشکیلات حزب سر و سامان دهد، اما از آنجا که درباره خط مشی مبارزه، با حزب توده اختلاف نظر داشت، نتوانست هیچ حرکت چشم گیری انجام دهد و از این زمان به بعد، حزب دموکرات ارتباطش را با حزب توده قطع کرد. در همین ایام، عبدالرحمن قاسملو و غنی بلوریان - از اعضای اصلی حزب - دستگیر شدند. البته قاسملو به علت همکاری و انتشار نام عده زیادی از اعضای حزب آزاد شد. اما بلوریان تا سال ۱۳۵۷ در زندان ماند.^{۱۱}

در سال ۱۳۴۳، کنگره دوم حزب در کوی سنجاق عراق تشکیل گردید و عبدالله اسحاقی به دبیر کلی آن انتخاب شد. در این دوره، ملامصطفی بارزانی نفوذ زیادی روی حزب داشت و با توجه به کمک های شاه ایران

به حزب دموکرات کردستان عراق، وی نقش زیادی در برقراری امنیت در کردستان ایران و کنترل عملیاتی های حزب دموکرات کردستان ایفا کرد.^{۱۲} در جریان کنگره دوم، به پیشنهاد اسحاقی، قاسملو به علت خیانت به جنبش کرد و همکاری با ساواک از حزب اخراج شد و به چکسلواکی رفت.^{۱۳}

در سال ۱۳۴۶، یک کمیته انقلابی با خط مشی مسلحانه، به عنوان حزب دموکرات، از حزب توده جدا شد و عده ای از آنها همچون اسماعیل شریف زاده، سلیمان معینی، عبدالله معینی و... به کردستان ایران وارد شدند و برای تکمیل حزب به عضوگیری پرداختند. خلع سلاح یکی از پاسگاه های ژاندارمری پیرانشهر، از جمله اقدامات چشم گیر این افراد بود. آنها حدود دویست نفر عضو داشتند که در قالب نه دسته، در شمال کردستان فعالیت می کردند. در سال ۱۳۴۷، نیروهای ژاندارمری، صد و چهار نفر از آنها را دستگیر کردند و بیست و سه نفر از آنها را اعدام نمودند.^{۱۴}

تشکیل سومین کنگره حزب دموکرات در سال ۱۳۵۲ - با فاصله زمانی ده سال از کنگره دوم - نشان دهنده رکود فعالیت های حزب بود. در این کنگره، حزب دموکرات مشی مسلحانه را به عنوان شکل اساسی مبارزه برگزید و عبدالرحمن قاسملو به سمت رهبری حزب انتخاب شد.^{۱۵} از آنجا که طی این دوره، بین حکومت ایران و حزب دموکرات کردستان عراق روابط خوبی برقرار بود، رژیم عراق نیز به حمایت از حزب دموکرات کردستان ایران پرداخت.

وضعیت کردستان در آستانه انقلاب اسلامی
همزمان با اوج گیری مبارزات انقلابی مردم ایران در سال ۱۳۵۷، سه جریان سیاسی کردی در مناطق کردنشین ایران فعال بودند:

الف- حزب دموکرات کردستان ایران، که پس از کنگره سوم و تعیین عبدالرحمن قاسملو به عنوان رهبر حزب، تجدید سازمان یافته بود.

ب- حزب کومله، که مرکز آن در شهر سنندج بود. این حزب نخست با نام تشکل دانشجویان کرد، مطرح شد و از نظر گرایش سیاسی و ایدئولوژیک، مانونیست بود. به اعتقاد آنها، نخست کردستان و سپس تمام ایران را می توان با به راه انداختن مبارزات دهقانی در روستاها از طریق یک سازمان پیشتاز، نجات داد! باید یاد آور شد که در اوایل انقلاب، این حزب، نخست با نام سازمان انقلابی زحمتکشان ایران (کومله) فعالیت می کرد؛ اما از سال ۱۳۶۰ به بعد، به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد.^{۱۶}

ج- جمعیت جوانان مسلمان کرد، که رهبری آن را احمد مفتی زاده عهده دار بود. این گروه به دلیل گرایش های سیاسی - ایدئولوژیک با دو حرکت قبلی تفاوت داشت، اما در مساله خودمختاری کردستان با آنها هم رای بود.^{۱۷} غیر از احزاب و گروه های کردی که به دنبال منافع حزبی و قومی بودند، جریان طرفداران انقلاب اسلامی نیز در منطقه کردستان وجود داشت.

با آغاز انقلاب اسلامی در ایران، مردم کردستان نیز

مانند دیگر مناطق کشور به صف مبارزه علیه رژیم پهلوی پیوستند. البته کردستان نسبت به استان های مانند اصفهان، تبریز، قم و... دیرتر به جریان انقلاب پیوست و در خود کردستان نیز، سنندج دیرتر از مهیاد به صحنه مبارزه وارد شد. نخستین تظاهرات در هیجدهم خردادماه سال ۱۳۵۷، در مهیاد در جریان تشییع جنازه عزیز بوسفی (از زندانیان سیاسی که در زندان در گذشته بود)، رخ داد که به دستگیری عده ای توسط ساواک منجر شد. در سنندج نیز، نخستین تظاهرات در روز پانزدهم مردادماه برای پشتیبانی از اعتصاب غذای بیست و چهار روزه زندانیان سیاسی به راه افتاد. بعد از این وقایع، موج راهپیمایی و تحصن سراسر منطقه را فرا گرفت و اهالی کردستان، مانند مردم سراسر کشور در مبارزه علیه رژیم شاه شرکت کردند و در روز بیست و دوم بهمن ماه، مردم مناطق کردنشین به مراکز نظامی - مانند شهر بانیه، ژاندار مریها و... - هجوم آوردند و این مراکز را به تصرف خود در آوردند.^{۱۸}

اوضاع سیاسی کردستان پس از پیروزی انقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل فروپاشی اقتدار دولت مرکزی، در کردستان نیز همانند برخی دیگر از نقاط کشور وضعیت پیچیده ای حاکم شد. نیروهای سیاسی مختلف در کردستان در صدد جمع آوری نیرو و تقویت خط سیاسی خود برآمدند. در آبان ماه سال ۱۳۵۷، عبدالرحمن قاسملو (دبیرکل این حزب) از مرز کردستان عراق، به کردستان ایران وارد شد و فعالیت مجدد حزب دموکرات را با شعار خودمختاری برای کردستان و دموکراسی برای ایران آغاز کرد. تمرکز حرکت های سیاسی - نظامی این حزب در شمال کردستان، به ویژه در شهر و منطقه مهیاد بود. در این دوره، حدود دویست و پنجاه نفر به این حزب پیوستند.^{۱۹} حزب دموکرات بلافاصله در تدارک خلع سلاح پادگان مهیاد و تسلیح خود در تمام مناطق برآمد. در واقع حزب در صدد بود بیشترین اسلحه و نیرو را در کردستان فراهم آورد تا با تقویت موقعیت و تحمیل رهبری خود در تمام منطقه نظام نوپای جمهوری اسلامی را بر تحصیل امتیازات بیشتر و کسب قدرت سیاسی در کردستان تحت فشار گذارد. حزب در تعقیب این استراتژی، بلافاصله شعبه های خود را در بیشتر مناطق کردستان برپا کرد.^{۲۰}

در این دوره، جریان های طرفدار نظام - نظیر حزب جمهوری اسلامی - و در کل دیگر احزاب در کردستان ضعیف بودند و تنها در مریوان و سنندج پایگاه داشتند که آنها هم، به رغم کوشش فراوان، در مقابل فعالیت گسترده جریان های مزبور (چپها و عوامل وابسته)، از قدرت بسیج کمتری برخوردار بودند.^{۲۱}

در این زمان، در بیشتر مناطق کردنشین، بازار خرید و فروش اسلحه به شدت رونق گرفت. در چنین جو هرج و مرجی، از نیروهای سیاسی گرفته تا بسیاری از مردم عادی، همه در فکر مسلح شدن بودند. به طور کلی، در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، که نظام هنوز در



پی تدارک استقرار نهادهای انقلابی خود برای تحقق آمال مردم بود. در کردستان گروههایی مانند کمونیستها، لیبرالها، ملی گراها و سلطنت طلبان هر یک درصدی تقویت قدرت خود و مقابله با استقرار نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی در این منطقه بودند. چهار روز پس از فرار شاه از کشور، حزب دموکرات اعلام کرد: «خواستهای ملی خلق کرد در چهارچوب ایران آزاد حل شدنی است و تکلیف نوع حکومت کشور باید در همه پرسی آزاد و به دور از هر نوع فشار روشن شود»^{۲۲} فروهر ابتدا با شیخ عزالدین حسینی^{۲۳} ملاقات کرد و وی بلافاصله نمایندگان شورای شهرهای کردستان را برای مذاکره با نماینده دولت فراخواند. در بیست و نهم بهمن ماه، جلسه‌ای با شرکت نمایندگان دو طرف تشکیل شد که از طرف کردها شیخ عزالدین حسینی و شیخ جلال، تعدادی از روحانیون منطقه، عبدالرحمن قاسملو، غنی بلوریان و تعدادی از فعالان حزب دموکرات نمایندگان سازمان چریکهای فدایی خلق و افراد متفرقه دیگر حضور داشتند.^{۲۴} در روز سیام بهمن ماه، این نمایندگان طرح هشت ماده‌ای خود را به فروهر تحویل دادند و او پاسخ به این طرح را در صلاحیت دولت موقت دانست.^{۲۵} از جمله شرایط این طرح، منوط کردن جابجایی نیروهای ارتش در منطقه کردستان به هماهنگی با حزب دموکرات و نیز کاهش نیروهای نظامی در منطقه کردستان بود. در واقع، هدف احزاب کرد از مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی، رسمیت دادن به خودمختاری کردها بود. در این زمینه، عبدالرحمن



قاسملو به نمایندگان اعزامی از تهران گفت: «هم اکنون ما در کردستان خودمختاری داریم و تنها باید دولت ایران به آن رسمیت بدهد وگرنه کردستان آتش می‌گیرد»^{۲۶} در چنین اوضاعی، در همان روز، حزب دموکرات طی برنامه از پیش تدارک شده‌ای، پادگان نیپ ۳ مهباد را خلع سلاح کرد. عده‌ای از کارکنان پادگان، که از افراد حزب بودند، علیه فرمانده پادگان دست به عمل شده و آنجا را تصرف کردند آنها سرگرد عباسی را که از افراد حزب دموکرات بود، به عنوان فرمانده پادگان برگزیدند این عمل حزب، نخستین مخالفت آشکار با جمهوری اسلامی بود. در واقع حزب، فرصت طلبانه از موقعیت ناآرام پس از پیروزی انقلاب سوء استفاده می‌کرد تا زمینه آماده سازی اقدامات بعدی خود را فراهم کند.^{۲۷} به طور کلی، حرکت‌های مسلحانه گروههای کرد پس از پیروزی انقلاب را می‌توان به چهار مقطع زمانی تقسیم کرد: «مقطع نخست، وقایع سال ۱۳۵۸ را شامل می‌شود که عمده ترین آنها سقوط پادگان و هنگ ژاندارمری مهباد و پاسگاههای ژاندارمری، جنگ نقده، فرمان امام(ره) در شکستن محاصره پلوه و سپس آزادسازی شهرهایی مانند یانه، سردشت، مریوان و... بود. مقطع دوم وقایع سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ را دربرمی‌گیرد که با تجاوز ارتش عراق و همزمان با آن تشدید اقدامات نیروهای حزب دموکرات و حزب کومله همراه بود. این احزاب کوشیدند تا جبهه کردستان را فعال نگه‌دارند و بدین ترتیب، بخشی از نیروهای را که باید برای مقابله با ارتش عراق به کار گرفته می‌شد، در این منطقه مشغول

کنند. مقطع سوم وقایع سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ را شامل می‌شود. طی این سالها، قرارگاه سیدالشهدا(ع)، متشکل از نیروهای سپاه و ارتش و ژاندارمری شکل گرفت و با استقرار در منطقه توانست امنیت را در شهرها، روستاها، جاده‌های اصلی و مرزهای کردستان ایران با عراق تامین کند و با پاکسازی پایگاههای نیروهای کرد آنها را از کردستان ایران به کردستان عراق براند.^{۲۸} مقطع چهارم از سال ۱۳۶۴ تا پایان جنگ را دربرمی‌گیرد. پس از سال ۱۳۶۴ و فعال شدن قرارگاه رمضان در کردستان عراق، به ویژه با تغییر استراتژی عملیاتی ایران در تغییر جبهه از جنوب به شمال، دامنه فعالیت‌های نظامی حزب دموکرات کاهش یافت و گرایش به همکاری با جمهوری اسلامی ایران و حل و فصل اختلافات از طریق سیاسی رشد بیشتری یافت. البته، در این میان، همکاری نزدیک ایران با حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی نیز در رویکرد جدید حزب دموکرات ایران مؤثر بود. طی این دوره‌ها، نیروهای حزب دموکرات از روشهای مختلفی برای مبارزه با نیروهای جمهوری اسلامی استفاده می‌کردند. در مقطع نخست و در سالهای آغازین بحران کردستان، این نیروها کوشیدند با حمله به پایگاهها به عنوان مثال: محاصره پادگان جلدیان در سال ۱۳۵۸، این مراکز نظامی را از فعالیت ساقط کنند. در مقطع دوم، پس از گسترش یافتن نیروهای نظامی ارتش و سپاه پاسداران، نیروهای کرد بیشتر روشهایی مانند کمین، مین گذاری جاده‌ها، ترور، ارباب افراد

بومی و غیربومی در کردستان (که با جمهوری اسلامی ارتباط داشتند) و حمله و مصادره و به‌تاش کشیدن امکانات دولتی را به‌کار بستند و پس از آنکه به داخل کردستان عراق رانده شدند. با عبور مخفیانه از مرز و انجام اقدامات ایذانی علیه نیروهای جمهوری اسلامی دوباره به عراق باز می‌گشتند.^{۲۱} تشریح برخی از تحولات و وقایع مهم کردستان می‌تواند عملکرد و نحوه رویارویی این حزب با دولت جمهوری اسلامی ایران را آشکارتر کند.

اوضاع سنندج در فروردین ماه سال ۱۳۵۸

پس از پیروزی انقلاب، دو کمیته در شهر سنندج تشکیل شد. مسئول یکی از این کمیته‌ها را صفدری (یک روحانی مبارز) عهده‌دار بود که بیش از یک سال، سرپرستی حسینییه سنندج را برعهده داشت و در جریان انقلاب نقش موثری ایفا کرد. وی همزمان با سرپرستی کمیته مزبور، سرپرستی ستاد لشکر سنندج را نیز برعهده داشت.^{۲۲} کمیته دیگری نیز در محل استانداری ایجاد شده بود که احمد مفتی‌زاده، رئیس جمعیت جوانان مسلمان کرد، مسئول آن بود. از همان آغاز، وی با اعلام مخالفت با صفدری، خود را تنها رهبر مذهبی - سیاسی کردستان دانست^{۲۳} و در سفرهایی که به تهران داشت، مرتباً از مقامات درخواست می‌کرد صفدری از سنندج اخراج گردد و کمیته او اداره شهر را برعهده داشته باشد و معاونش (خسروی) نیز به‌عنوان استاندار استان کردستان انتخاب شود.^{۲۴}

در روز بیست‌وهفتم اسفندماه، افراد مفتی‌زاده عده‌ای از مردم را تحریک کردند تا برای گرفتن اسلحه و مهمات، به کمیته تحت حمایت صفدری حمله کنند. در نتیجه تیراندازی نیروهای دو طرف، یک نفر کشته و دو نفر زخمی شدند. پس از این واقعه، افراد تحریک شده به سوی پادگان ژاندارمری حمله و اسلحه و مهمات ژاندارمری را غارت کردند. پس از خلع سلاح ژاندارمری، عده‌ای به سمت پادگان ارتش رفتند. اما با مقاومت پادگان روبرو شدند. در این بین، افراد مفتی‌زاده کمیته صفدری را محاصره کردند و چند نفر از افراد آن را به شهادت رساندند.^{۲۵} از روز بیست‌وهفتم اسفندماه، تمامی گروه‌های کرد (حزب دموکرات، کومله و فداییان) نیروهایشان را از تمام مناطق کردستان جمع‌آوری نموده و به سمت سنندج حرکت کردند و بدین ترتیب، شهر به حالت نظامی درآمد.^{۲۶}

در نخستین روز فروردین ماه سال ۱۳۵۸، هیاتی از نهران برای از بین بردن جو تشنج و پایان دادن به جنگ به سنندج وارد شد. این هیات (متشکل از آیت‌الله طالقانی، شهید بهشتی، هاشمی‌رفسنجانی، بنی‌صدر و صدر حاج‌سیدجواد) با مفتی‌زاده، شیخ عزالدین، فاسملو، غنی بلوریان، و نمایندگان کومله و چریک‌های فدایی به مذاکره پرداختند.^{۲۷} در جریان مذاکرات شورای موقت با آیت‌الله طالقانی و هیات اعزامی از تهران، جو تشنج تا حدودی از بین رفت و قرار شد مراکز تصرف شده تخلیه شوند، برای تاسیس شورای شهر، انتخابات انجام گیرد و شورای موقت نیز منحل شود.^{۲۸} بدین ترتیب، ابراهیم یونسی نیز از طرف وزیر کشور

به‌عنوان استاندار انتخاب و غائله به‌طور موقت پایان یافت، اما گروه‌ها به‌شدت از آن استفاده تبلیغاتی کردند و در شهرهای بانه و سقز، تظاهراتی با شعار «ارتش ضد خلقی نابد باید شود»، به راه افتاد.^{۲۹}

ماجرای نقده

حزب دموکرات که عملاً نتوانسته بود در جریانهای سنندج موقعیتی کسب کند، در صدد برآمد در شمال مناطق کردنشین نفوذ یابد. پس از پیروزی انقلاب، کمیته‌ای با شرکت نیروهای کرد و آذری در نقده تشکیل شد که هر دو گروه به‌طور مشترک آن را اداره می‌کردند، اما پس از مدتی، به دلیل اختلافات پیش‌آمده، انشقاق پدید آمد. بدین ترتیب، کمیته‌ای با سرپرستی ابراهیم محور در نقاط ترک‌نشین و کمیته دیگری به رهبری ملا صالح رحیمی در مناطق کردنشین نقده تشکیل شد.^{۳۰} اوضاع متشنج در شرایطی در نقده پدید آمد که عده‌ای از سران نظامی سلطنت‌طلب - مانند اویسی - در نزدیکی مرز ایران در خاک ترکیه، به توطئه‌چینی علیه انقلاب اسلامی مشغول بودند و به‌احتمال زیاد، عوامل آنها در پدیدآوردن این اختلافات نقش داشتند.^{۳۱}

در این شرایط، حزب دموکرات برای قدرت‌نمایی، به مناسبت بازگشایی دفتر حزب در نقده اعلام میتینگ کرد و محل آن را هم عمداً، در محلات آذری‌نشین قرار داد.^{۳۲} در روز سی‌ویکم فروردین ماه سال ۱۳۵۸، میتینگ با شرکت بیش از پانزده‌هزار نفر برگزار شد که از نقاط دیگر کردستان نیز به نقده آمده بودند. آنها پس از راهپیمایی در محل استادبوم شهر جمع شدند و با شلیک تیر هوایی، به کشتار مردم و غارت خانه‌های آنها اقدام کردند. تلاش مسئولان کمیته‌ها برای آتش‌بس به جایی نرسید و سرانجام، در تاریخ دوم اردیبهشت‌ماه، با ورود ارتش و فرار گرفتن آن بین دو طرف، درگیریها کاهش یافت و با ورود سپاه پاسداران مرکز شهر آرام شد. سرانجام، قدرت‌نمایی و جنگ‌افروزی حزب دموکرات و عده‌ای از فنودالها و عوامل ساواک با کشته و زخمی شدن تعدادی از مردم بی‌گناه کرد و آذری پایان یافت.^{۳۳}

در این هنگام، دیگر مناطق کردستان نیز وضعیت متشنجی داشتند. در مردادماه سال ۱۳۵۸، نیروهای اصیل انقلاب به بیرون راندن گروه‌های ضدانقلاب از منطقه کردستان معتقد بودند؛ چراکه هر روز این گروه‌ها جنگ تازه‌ای را در گوشه‌ای از کردستان به نیروهای انقلاب تحمیل می‌کردند. سرانجام، در جنگ پلوه، رهبر انقلاب (ره) به دخالت مستقیم در این امر مجبور شدند و فرمان پاکسازی تمام مناطق از نیروهای ضدانقلاب را صادر کردند.^{۳۴} ایشان با بیان این مطلب که حساب مردم کرد از توطئه‌گران جدا است، استراتژی نیروهای نظامی را در برخورد با مساله کردستان مشخص کردند. در آن زمان، شهید دکتر چمران فرماندهی نیروهای نظامی را در شهر پلوه برعهده داشت، بدین ترتیب، نیروهای ارتش و سپاه طی عملیاتیهای بی‌دری توانستند ضمن آزادسازی شهر پلوه، به‌تدریج، دیگر نواحی کردستان را نیز آزاد کنند. در بیست‌وهفتم

مردادماه، گروه‌ها - که هنوز آمادگی درگیری در تمام جبهه‌ها را نداشتند - با نشان دادن مقاومت اندکی در سقز و مهاباد، تمامی شهرهای کردنشین آذربایجان غربی را تخلیه و به نقاط دوردست کوهستانی و مرزی فرار کردند. در آغاز، رهبران حزب دموکرات به عراق رفتند و در آنجا، زیر چتر حمایت رژیم بعث قرار گرفتند.^{۳۵} این گروه‌ها که نتوانستند در مقابل حمله نیروهای سپاه و ارتش مقاومت کنند، جنگ چریکی را در منطقه آغاز کردند. از این رو، به لحاظ نامنظمی و عدم تمرکز این گونه جنگها - پاکسازی گروه‌های مذکور عملاً دشوار گردید.^{۳۶}

آغاز مجدد جنگ در کردستان

در بهار سال ۱۳۵۹، پس از به‌بن‌بست رسیدن کامل مذاکرات هیات نمایندگی کرد با هیات حسن‌نیت، از شمال و جنوب کردستان جنگ مجددی به جمهوری اسلامی تحمیل شد. در شمال، حزب دموکرات به نیروهای ارتش و سپاه حمله کرد و جنگ سختی در گرفت. در جنوب نیز گروه‌ها راه را بر ستون نظامی بزرگی که از مسیر کامیاران آمده بود و قصد ورود به پادگان سنندج را داشت، سد کردند. توجیه رهبران حزب دموکرات این بود که ستون مزبور برای اشغال شهر آمده است. هر چند طی مذاکراتی قرار شد این نیروها از راهی فرعی به پادگان دسترسی یابند، اما در بین راه، عوامل گروه‌ها به نیروهای ارتش حمله و عده‌ای را کشته و زخمی کردند. باین حال، این نیروها خود را به پادگان رساندند.^{۳۷} همزمان، در بانه و مریوان نیز جنگ آغاز شد و حزبهایی کومله و دموکرات دو پایگاه را در نزدیکی سردشت خلع سلاح کردند. از آنجا که گروه‌ها فکر می‌کردند توان مقاومت در شهرها را دارند، به‌ویژه در سنندج همه مناطق را سنگربندی کردند و بدین ترتیب، جنگ سختی آغاز گردید که بیست‌وچهار روز طول کشید و طی آن، عده زیادی از مردم کشته و مجروح شدند.^{۳۸}

به‌هر ترتیب، پس از یک ماه، شهرهای سنندج، مریوان، بانه، سقز و سردشت آزاد شدند.^{۳۹} در پاییز سال ۱۳۵۹، مهاباد نیز پس از یک سال، طی نبرد سنگینی از اشغال گروه‌های ضدانقلابی بیرون آمد.^{۴۰} در شهریورماه سال ۱۳۵۹، ستونی از نیروهای ارتش با هدف رفتن به مناطق مرزی برای جلوگیری از اشغال منطقه توسط ارتش عراق، از بانه به سمت سردشت حرکت کرد. اما در تمام طول مسیر، همزمان با حمله نیروهای متجاوز عراق به خاک میهن و اشغال بخشهایی از آن، افراد حزب دموکرات و دیگر گروه‌ها به این نیروها حمله کردند.^{۴۱}

چند روز بعد، درحالی‌که ارتش بعثی از طریق مرزهای پیرانشهر می‌کوشید این منطقه را اشغال کند، نیروهای حزب دموکرات، در هماهنگی با آنها، به پادگانهای پیرانشهر و پلوه حمله کردند تا این مراکز را خلع سلاح کنند اما بر اثر مقاومت رزمندگان ارتش و سپاه، سرانجام شکست خورده و از پیرانشهر خارج شدند.^{۴۲} در همان زمان، حزب دموکرات نیروهایی را برای

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل فروپاشی اقتدار دولت مرکزی، در کردستان نیز همانند برخی دیگر از نقاط کشور وضعیت پیچیده‌ای حاکم شد و نیروهای سیاسی مختلف در کردستان در صدد جمع‌آوری نیرو و تقویت خط سیاسی خود برآمدند

سرانجام، در جنگ پاره رهبر انقلاب (ره) به دخالت مستقیم در این امر مجبور شدند و فرمان پاکسازی تمام مناطق از نیروهای ضدانقلاب را صادر کردند. ایشان با بیان این مطلب که حساب مردم کرد از توطئه‌گران جدا است، استراتژی نیروهای نظامی را در برخورد با مساله کردستان مشخص نمودند

اشغال ارومیه اعزام کرد. این اقدام نیز پس از کشته شدن دویست نفر از نیروهای حزب، به شکست انجامید. بدین ترتیب، ماهیت حزب دموکرات، که ادعای رهبری مردم کردستان را داشت، بیش از پیش آشکار شد.^{۵۱} در اواخر سال ۱۳۵۹، تلاش وسیعی بین سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و حزب دموکرات برای ایجاد جبهه واحدی علیه جمهوری اسلامی آغاز شد و در اوایل سال ۱۳۶۰، سازمان مجاهدین به صراحت از حزب دموکرات پشتیبانی کرد.

فاجعه زندان دلتو

بیماران زندان دلتو، یکی از فاجعه‌هایی بود که رژیم بغداد با همکاری حزب دموکرات انجام داد. در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۰، جلیل گادانی، فتاح کلوبانی و ایرج سلطانی (یک خلبان فراری)، به نمایندگی از طرف حزب دموکرات با سرهنگ عیار عبدالرضا و رشید صالح (از افسران حزب بعث مستقر در اداره استخبارات کرکوک) ملاقات کردند. در این ملاقات، بر سر بیماران زندان دلتو توافق شد که عده‌ای از نیروهای سپاه کمیته ارتش و جهادسازندگی در آن محبوس بودند. براساس این توافق، هفدهم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۰، زندانیان برخلاف هر روز که به بیگاری برده می‌شدند، در حیاط زندان نگه داشته شدند و نگهبانان زندان نیز از پنجاه نفر به دوازده نفر کاهش یافتند. حتی افراد مختلف حزب دموکرات از این زندان به محله‌های دیگری منتقل شدند و بدین ترتیب، همه چیز آماده بود. صبح آن روز، هواپیماهای عراق، با هدایت حزب، ساختمان زندان را به شدت بمباران کردند. طبق گفته بازماندگان فاجعه، نیروهای حزب نجات یافتگان را از ارتفاعات هدف قرار می‌دادند و در مجموع، صدوسی نفر را شهید و مجروح کردند.^{۵۲}

حزب دموکرات در مقابل واکنش‌های مختلف در مورد این جنایت، همکاری خود را با رژیم بعثی عراق انکار کرد و عبدالرحمن قاسملو به‌رغم همکاری گسترده حزب با رژیم عراق، جنگ ایران با عراق را بهانه‌ای برای سرکوب کردها دانست و مدعی شد که در آغاز جنگ با عراق، حزب دموکرات کردستان آمادگی چریک‌های کرد را برای همکاری با ارتش ایران اعلام کرده است.^{۵۳}

اتحاد حزب دموکرات

با شورای ملی مقاومت (منافقین)

شورای ملی مقاومت با تلاش ابوالحسن بنی‌صدر و مسعود رجوی در تاریخ سی‌ام تیرماه سال ۱۳۶۰ بنیان گذاشته شد و از همان آغاز، احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های مختلف ضدانقلاب به این شورا پیوستند.^{۵۴} اعضای شورای ملی مقاومت را سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، حزب دموکرات کردستان، جبهه دموکراتیک ملی ایران، شورای متحد چپ، سازمان استادان متعهد دانشگاه‌های ایران، کانون توحیدی اصناف، سازمان اتحاد برای آزادی کار و سازمان اقامه تشکیل می‌دادند. البته بعدها، حزب کار ایران، جنبش زحمت‌کشان گیلان و مازندران، اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربداران) و

سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز بدان پیوستند. شخصیت‌هایی مانند کاظم باقرزاده، منوچهر هزارخانی، ناصر پاکدامن، اصغر ادیبی، حمید زیرکباش و یکی از کادرهای مطبوعاتی و اداری ایران که نام او تاکنون اعلام نشده است، نیز به‌طور فردی عضو این شورا بودند.^{۵۵}

طبق اساس‌نامه مصوبه شورای ملی مقاومت، مسئولیت تشکیل دولت موقت و تعیین وزیران بر عهده مسعود رجوی گذاشته شد و مقرر گردید دولت موقت حداکثر شش‌ماه پس از سرنگونی نظام جمهوری اسلامی تداوم داشته باشد و عمر آن با تشکیل مجلس موسسان پایان یابد.^{۵۶}

پیوستن حزب دموکرات کردستان به شورای ملی مقاومت برای شورا، بسیار حیاتی و مهم بود؛ چراکه از یک سو این حزب برخلاف دیگر گروه‌ها و احزاب عضو، به استثنای سازمان مجاهدین، جنبه فردی و تک‌نفره نداشت بلکه یک تشکل به حساب می‌آمد و از سوی دیگر، حزب دموکرات منطقه کردستان - منطقه‌ای که از همان آغاز انقلاب اسلامی بحرانی محسوب می‌شد - با عضویت در «کانون بحران» این شورا، به شورا این امکان را می‌داد که بخشی از عملیات‌های خود را از این منطقه سازماندهی کند. حزب دموکرات نیز در قبال این پیوستن، امتیازهایی را خواستار بود؛ از این رو، به‌عنوان مبارزات حق طلبانه مردم کردستان در اسناد شورا بسنده نکرد و خودمختاری کردستان را خواستار شد. سازمان مجاهدین مخالفت برخی از اعضای شورا با این تصمیم را اعلام کرد و موافقت آنها را به تهیه طرحی در این مورد منوط دانست. براین اساس، در خردادماه سال ۱۳۶۲، سه‌نفر از اعضای شورا به نامه‌ای مهدی خانبابانته‌رانی، بهمن نیرومند و نوری دهکردی برای تهیه طرح مورد نظر به کردستان سفر کردند و به مدت بیست‌روز، با دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب دموکرات مشغول گفت‌وگو بودند. در نتیجه، کمیسیونی با شرکت اعضای دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب و نمایندگان شورا، طرح خودمختاری را تهیه کرد. محدوده استان کردستان نخستین موضوع مورد اختلاف بنی‌صدر و حزب دموکرات بود. حزب دموکرات بخش‌های کردنشین آذربایجان غربی را جز، کردستان می‌دانست. درحالی‌که بنی‌صدر با ایجاد تقسیمات کشوری جدید مخالف بود.

در پی بروز این اختلاف، قرار شد موضوع مزبور پس از سرنگونی نظام جمهوری اسلامی در بین مردم منطقه به referendum گذاشته شود. تعیین نیروهای انتظامی، دومین موضوع مورد اختلاف بود. مسئولیت پیگیری این موضوع برعهده مجلس ایالتی گذاشته شده بود. در واقع، حزب دموکرات نیروهای پیشمرگ را نیروهای انتظامی منطقه در آینده می‌دانست و مخالفان، آن را ایجاد ارتش در ارتش تلقی می‌کردند. سرانجام، قرار شد ساماندهی نیروهای انتظامی کردستان با تصمیم دولت مرکزی و نظر مجلس ایالتی کردستان انجام شود. با رفع این اختلافات، شورای ملی مقاومت طرح خودمختاری کردستان را تصویب کرد تا حزب دموکرات کردستان به دلیل همکاری با شورا، در مقابل رقیب کمونیست خود

(حزب کومله) تحت فشار نباشد.^{۵۷}

به دنبال آن، سازمان مجاهدین بخشی از نیروهای خود را به کردستان فرستاد و در کنار نیروهای حزب دموکرات مفرهایی را دایر کرد، اما دیری نپایید که از شورای ملی مقاومت نامی بیش نماند. علی اصغر حاج سیدجوادی در مورد این موضوع چنین می گوید: «امروزی بر وضعیت شورای ملی مقاومت و تحولات درونی آن از روزهای آغازین تشکیل آن تا امروز، خود بهترین دلیل و سند شکست آن است. خودخواهیها و جاه طلبیهای مسعود رجوی و دیگر اعضای شورا، باعث شد تا در سال ۱۳۶۳، تعدادی از آنها از آن جدا شوند.»^{۵۸} خبیثتهای شورا تا آنجا بود که کریم حقی، یکی از اعضای آن، چنین می گوید: «شورای ملی مقاومت، از زمانی نامشروع شد که به عراق کوچید و پیمان و اتحاد استراتژیک و بایرداری با دیکتاتور عراق بست؛ رژیم می که جنگ تجاوزکارانه ای را علیه ایران آغاز کرد. شهرهای ما را هدف موشک قرار داد. میلیاردها دلار خسارت و خرابی به بار آورد و هزاران هزار تن از جوانانمان را شهید، مجروح و معلول کرد. به عبارت دیگر، مشروعیت شورای ملی مقاومت زمانی از بین رفت که نیروهای آن دوشادوش نیروهای عراقی علیه قوای ایرانی جنگیدند و بساط زندان و شکنجه در عراق به راه افتاد...»^{۵۹} بدین ترتیب، خبیثتهای اعضای شورای ملی مقاومت حتی در اظهارات اعضای آن مشاهده می شود. به هر حال، سرانجام این گونه دسیسه های عناصر ضدانقلاب نیز نتیجه ای نداد. در سال ۱۳۶۱، نیروهای جمهوری اسلامی در کردستان به پیروزیهای چشمگیری دست یافتند. در این سال، جاده استراتژیک بیرانشهر به سردشت آزاد شد و بخشهای مهمی از محور مهاباد به سردشت و روستاهای اطراف پاکسازی گردید.

احزاب دموکرات و کومله، در پی رانده شدن به کردستان عراق، در آن کشور نیز در مواردی، هدف حمله گروهکهای کرد عراقی قرار گرفتند که در واقع این حملات از سوی جمهوری اسلامی حمایت می شد.^{۶۰} به تدریج نفوذ و فعالیت حزب دموکرات در کردستان ایران کاهش یافت و به تلاشهای سیاسی برای جلب نظر جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش توجه شد.^{۶۱}

نتیجه گیری

روند شکل گیری و فعالیت حزب دموکرات کردستان، نشان دهنده بهره گیری این حزب از سه عامل مهم زیر است: ۱- نزدیکی به دولت‌های بیگانه برای تامین سلاح و پشتیبانی سیاسی ۲- بهره گیری از ویژگیها و مطالبات قومی مردم کردستان ۳- استفاده از ضعف دولت مرکزی در ایران. در هر برهه از تاریخ، که سه عامل مزبور از نظر اهداف، سیاست و روند تحولات با هم و در سمت و سوی واحدی قرار گرفته اند، بحران کردستان و فعالیت‌های حزب دموکرات افزایش یافته و هدفهای آن در سیری صعودی قرار گرفته و بزرگ تر شده اند. هر چند این حزب از احساسات قومی مردم کردستان بهره می گیرد، اما تلاشهای آن بدون وجود بحران، در مرزها و کشورهای همسایه و حمایت دولت‌های بیگانه به جایی نمی رسد.

از سوی دیگر در صورت آشکار شدن نزدیکی این حزب به دولت‌های بیگانه، حزب مذکور با بحران مشروعیت و پایگاه اجتماعی روبرو می شود و از درون، جایگاه خود را از دست می دهد.

در سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت بعثی عراق و حزب دموکرات و دیگر گروهکها هدف سیاسی مشترکی مبنی بر سرنگونی نظام نوپای جمهوری اسلامی داشتند؛ موضوعی که به همکاری گسترده و فراگیر رژیم صدام از یک سو و حزب دموکرات و گروهکهای دیگر از سوی دیگر انجامید. در نتیجه، رژیم عراق امکانات فراوانی را در اختیار این گروهکها گذاشت. در وهله نخست، دولت عراق به احزاب دموکرات و کومله اجازه داد مراکز سیاسی و نظامی و نیز پایگاههای آموزشی شان را در کردستان عراق و در نزدیکی مرزهای ایران مستقر کنند. همچنین، دولت عراق پذیرفته بود سلاح، تجهیزات نظامی و کمکهای مالی در اختیار آنها قرار دهد. افزون بر این، حزب بعث امکانات تبلیغاتی در شمال این کشور را در اختیار حزب دموکرات و گروهکهای دیگر قرار داد که از آن جمله می توان به فراهم کردن فرستنده های رادیویی برای انجام تبلیغات علیه انقلاب اسلامی و تشویق کردهای ایران به شورش علیه دولت مرکزی اشاره کرد. کادر مرکزی و دیگر عناصر حزب دموکرات، از امکانات فرودگاهی عراق برای سفر به دیگر نقاط جهان نیز استفاده می کردند. ■

پی نوشت ها

- ۱- حمیدرضا جلالی پور، قاضی محمد، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۹، ص ۵۲
- ۲- همان، ص ۶۵
- ۳- حمیدرضا جلالی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ص ۵۲
- ۴- عبدالرحمن قاسملو، چهل سال مبارزه در راه آزادی، بی جا، انتشارات حزب دموکرات کردستان، بی تا، ص ۴
- ۵- ایگنون، جمهوری ۱۹۴۶، ترجمه صدقی، بی جا، بی تا، ص ۱۱۴
- ۶- کردستان، امیرالیزم و گروههای وابسته، بی جا، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۲۲
- ۷- حمیدرضا جلالی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، همان، ص ۵۶
- ۸- همان، ص ۵۷
- ۹- چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، حزب دموکرات کردستان، ج ۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۷
- ۱۰- کریس کوچرا، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم بونسی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۷، ص ۲۲۸
- عبدالله اسحاقی یکی از بنیان گذاران کمیته مهاباد و از اعضای جوان حزب دموکرات بود.
- ۱۱- چپ در ایران... همان، ص ۸
- ۱۲- کریس کوچرا، همان، ص ۲۳۸
- ۱۳- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان
- ۱۴- کریس کوچرا، همان، ص ۲۳۸
- ۱۵- کردستان، امیرالیزم و... همان، ص ۲۶
- ۱۶- حمیدرضا جلالی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، همان، ص ۵۹
- ۱۷- همان، ص ۶۱
- ۱۸- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان.

- ۱۹- حمیدرضا جلالی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، همان، ص ۵۸
- ۲۰- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، همان.
- ۲۱- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۴۸۷، مسائلی درباره کردستان و گروهکها
- ۲۲- روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۱۰/۲۰
- ۲۳- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۵۵۱۶، حزب دموکرات کردستان.
- شیخ عزالدین حسینی امام جمعه غیررسمی مهاباد قبل از انقلاب و عنصر مرتبط با کومله بود
- ۲۴- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۵۵۲۱، حزب دموکرات کردستان.
- ۲۵- همان، کد ۲۴۱۶، بررسی مساله کردستان
- ۲۶- حمیدرضا جلالی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، همان، ص ۶۲
- ۲۷- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان
- ۲۸- حمیدرضا جلالی پور، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، همان، ص ۶۶، ۶۷
- ۲۹- همان، ص ۶۹
- ۳۰- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، همان
- ۳۱- همان، کد ۶۳۷، تحلیل وقایع کردستان
- ۳۲- همان
- ۳۳- همان
- ۳۴- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان
- ۳۵- همان
- ۳۶- همان
- ۳۷- همان
- ۳۸- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۴۸۷، مسائلی درباره کردستان و گروهکها
- ۳۹- همان
- ۴۰- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۹۴۸۶، حزب دموکرات کردستان
- ۴۱- همان
- ۴۲- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۹۴۸، اوضاع کردستان (مصاحبه ها و گزارشهای رسانه های داخلی و خارجی)
- ۴۳- همان
- ۴۴- همان
- ۴۵- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۹۴۸، اوضاع کردستان (مصاحبه ها و گزارشهای رسانه های داخلی و خارجی)
- ۴۶- همان
- ۴۷- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان
- ۴۸- همان
- ۴۹- همان
- ۵۰- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۲۸۷۷، اخبار وقایع کردستان
- ۵۱- همان
- ۵۲- مناقضین و جنگ تحمیلی، مروری بر عملکرد منافقین ۲، بی جا، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۴۷-۱۴۵
- ۵۳- همان، ص ۱۴۲
- ۵۴- نشریه چشم انداز، شماره ۲۱، ص ۵۵
- ۵۵- حمید شوکت، نگاهی از درون به جنبش چپ ایران، پاریس، بی تا، ۱۳۶۸، ص ۵۲۵
- ۵۶- همان، ص ۵۲۲
- ۵۷- همان، صص ۵۵۴، ۵۵۸
- ۵۸- نشریه چشم انداز، شماره ۲۲، ص ۴۸
- ۵۹- همان، صص ۵۷، ۵۸
- ۶۰- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۶۹۱، تحلیل وقایع کردستان
- ۶۱- همان